

جایگاه محمد بن صفار و کتاب بصائر المدرجات در میراث حدیثی شیعه - جعفر رحیمی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دوازدهم، شماره 45 «و ژه حدیث»، زمستان 1393، ص 81 - 114

جایگاه محمد بن حسن صفار و کتاب بصائر المدرجات در میراث حدیثی شیعه

جعفر رحیمی [1] ×

چکیده: محمد بن حسن صفار و کتاب بصائر المدرجات او جایگاهی مهم در منظومه اعتقادی شیعه امامیه به خصوص در مسأله امامت دارد. در این مقاله سعی شده است شخصیت علمی صفار و نقش او در انتقال معارف اعتقادی بررسی شود. همچنین دو مسأله اساسی که راجع به صفار و کتاب بصائر المدرجات او وجود دارد مورد پژوهش قرار گرفته است. مسأله اول: آیا نویسندگانی که کتاب بصائر المدرجات، شخصی به نام محمد بن حسن بن فروخ است و شخصیت دیگری غیر از صفار است یا اینکه محمد بن الحسن بن فروخ همان محمد بن الحسن صفار است و یک شخصیت با دو عنوان در کتب رجالی معرفی شده است؟ مسأله دوم: آیا کتاب بصائر المدرجات تألیف صفار است، یا چنانچه ادعا شده نوشته محمد بن یحیی المعطار بوده و او به شیوه استخراج، کتاب بصائر سعد بن عبدالله اشعری را با عنوان بصائر المدرجات به نام خودش تدوین نموده است. برای این منظور اساتید و شاگردان مطرح صفار به اختصار معرفی شده اند. همچنین میراث مکتوب و میزان اثرگذاری او در انتقال روایات اهل بیت میراث مکتوب بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: صفار، محمد بن حسن، ابن فروخ، بصائر المدرجات، میراث مکتوب.

ولادت، کنیه و نام صفار

محمد بن حسن صفار قمی، محدث، فقیه و متکلم پرآواز شیعه و مؤلف کتاب مشهور «بصائر المدرجات فی علوم آل محمد» است. نام کامل او

«محمد بن المحسن بن فروخ المصفاَر» (

رجال نجاشی،

ج 1، ص 354؛

رجال شیخ طوسی،

ص 402). است و هرگاه «المصفاَر» به صورت «منفرد» استعمال شود، منصرف به او است (

توضیح المقال فی علم الرجال،

صص 98-99).

نام او در همه تذکره نویسی های امامی ه آمده است، ولی اطلاعات اصلی را عمدتاً «نجاشی و شیخ طوسی» آورده اند. در منابع، به - ر از «ابوجعفر»، کند - د گری برای او ذکر نکرده اند (رجال نجاشی، ج 1، ص 354؛ رجال شیخ طوسی، ص 402؛

رجال ابن داود،

صص 169-1 علیه السلام 0

؛ نقد الرجال

، ج 4، صص 181-182؛

مستدرکات علم رجال الحدیث،

ج علیه السلام، ص 31؛

أهل البیت فی الکتاب والمسنه

، ص 619؛

بصائر المدرجات

، صص علیه السلام - 14؛

المخلاصة للحلی

، صص 260 - 261؛

، طرائف المقال

، ج 1، ص 21 علیه السلام).

زمان ولادت او برای ما مشخص نیست، امّا بدون شک، او معاصر امام دهم علی بن محمد المهادی علیه السلام (متوفی 254هـ) و امام یازدهم حسن بن علی العسکری علیه السلام (متوفی 260هـ) بوده و بنابر قول شیخ طوسی، صفار از صحابه امام یازدهم علیه السلام به شمار می رفته و «مسائل» خود را به ایشان عرضه کرده است.

از آنجا - که برای بعضی از فضلاء این توهم پیش آمده است که محمد بن المحسن المصفاَر صاحب کتاب بصائر

المدرجات ، غیر

از محمد بن المحسن بن فروخ بوده، لازم است در ابتدا این مسأله بررسی شود. به نظر می رسد منشاء این اشتباه را

می توان در کتاب

رجال ابن داود حلّی

(متوفی علیه السلام 40هـ) جستجو کرد؛ زیرا او برای محمد بن حسن در دو جای کتابش با دو عنوان «محمد بن الحسن

المصفاَر و محمد بن المحسن بن فروخ» شرح حال نوشته است (

رجال ابن داود، ص 169 و 1 علیه السلام (0). او که یکی از مشهورترین تذکره‌نویسان امامی^ه به شمار می‌رود، در وصف محمد بن المحسن بن فروخ می‌نویسد:

«کان وجها فی اصحابنا المقمیین، ثقة، عظیم المقدر راجحاً، قلیل المسقط فی الروایة» (همان، ص 1 علیه السلام (0)، همو در وصف محمد بن حسن صفار، آورده است: «له کتب مثل کتب المحسین بن سعید و زیاده» (همان، ص 169).

امیر معزی معتقد است منشاء این دوگانگی شخصیّت، در کلام ابن‌داود حلی است و آن را نوعی تفکر عقلانی فقهی می‌داند که پس از شیخ مفید بر تفکر شیعه حاکم شده است. این تفکر در برابر تفکر باطنی قرار دارد که از جانب ائمه شیعه و محدثان قمی خصوصاً کلینی و صفار و بزقی ترویج می‌شده و علمای شیعه پس از شیخ مفید، آگاهانه کتاب بصائر المدرجات صفار را مسکوت گذاشته‌اند و این نگرش به آنجا کشیده که بین راوی بزرگ شیعی یعنی محمد بن المحسن المصفاّر و مؤلف بصائر المدرجات تفاوت قائل شوند (فصلنامه ژورنال آسیایی) JOURNAL ASIATIQUE (صفار قمی و کتاب بصائر المدرجات جلد 280، شماره 3-4). امّا به نظر می‌رسد چنین برداشتی از کلام ابن‌داود و محقق اردبیلی جای تأمل دارد و اینکه آیا آنان به عمد دو شخصیت را مطرح کرده‌اند یا اینکه جهت دیگری مطرح بوده، به راحتی نمی‌توان قضاوت کرد؛ زیرا بدون شک ابن‌داود، از کتابهایی مانند:»

رجال

«نجاشی (متوفی 450 هـ)،»

رجال

«و»

المفهرست

«شیخ طوسی (متوفی 460 هـ) بهره برده است. اگر مقایسه‌ای بین نقل ابن‌داود حلی با نقل نجاشی و شیخ طوسی انجام دهیم، می‌بینیم که ترجمه ابن‌داود با ترجمه‌های شیخ طوسی و نجاشی تفاوتی ندارد و متوجه می‌شویم که ابن‌داود نیز در مورد این شخصیت، دچار اشتباه دوگانگی شخصیت نشده و محمد بن المحسن بن فروخ را همان مؤلف کتاب بصائر المدرجات می‌داند.

نجاشی گفته است:

«محمد بن المحسن بن فروخ المصفاّر، مولی‌ء سی بن موسی بن طلحة بن عبد الله بن المسائب بن الملك بن عامر الأشعری أبو جعفر الأعرج، کان وجها فی أصحابنا المقمیین، ثقة عظیم المقدر راجحاً قلیل المسقط فی الروایة، له کتب منها: کتاب بصائر المدرجات»، (رجال نجاشی، ج 1، ص 354).

و شیخ طوسی گوید:

«محمد بن المحسن المصفاَر قمی، له کتب مثل کتب المحسن بن سعد و زاد ادة کتاب بصائر المدرجات و غره»، (فهرست طوسی ص 408).

به نظر می‌رسد ابن‌داود از ترجمه شیخ طوسی و نجاشی تبعیت کرده است و دقیقاً همان اوصاف را که ابن‌دو رجالی بزرگ برای صفاَر نوشته‌اند، او نیز برای ابن‌راوی آورده است. علاوه بر آن، ظهور کلام او در اتحاد عنوان است (طرائف المقال، ج 1، ص 21 علیه السلام).

تنها نکته غامض در نقل ابن‌داود، این است که او برای صفاَر، دو شرح حال نوشته است. برای حل این مشکل باید گفت که اگر به کتب رجالی مراجعه کنیم، خواهیم دید که عادت بسیاری از رجالیون بر این بوده که برای اشخاصی که به دو اسم یا چند اسم مشهور بوده‌اند، دو یا چند شرح حال جداگانه می‌نوشته‌اند. شیخ طوسی در رجالش شخص واحد را دو یا چند بار آورده، به دلیل تعدد عنوان اشخاص. ابن‌داود نیز همین رویه را داشته است؛ بنابراین از کلام ابن‌داود حلی بر نمی‌آید که او بین مؤلف بصائر المدرجات و محدث بزرگ شیعه جناب محمد بن حسن بن فروخ تمایزی قائل بوده است.

علاوه بر آن بسیاری از رجالیون برای دو عنوان مذکور، شخصیت واحد قائلند و تا جایی که بررسی شد، از رجال‌شناسان کسی قائل به دوگانگی بودن مؤلف بصائر المدرجات با ابن‌فروخ نیست (رجال نجاشی، ج 1، ص 354؛ اختصار

- معر
لرجال
، ج 2، ص علیه السلام 16؛
نقدالرجال
، ج 4، ص 1 علیه السلام 6؛
أهل البيت في المکتاب و
المسنة
،
ص 619؛
الرسائل المرج
المدة
،
ج 3، صص 490-494؛
مستدرکات علم رجال المحدث،
ج علیه السلام، ص 39؛
قاموس الرجال
، ج 9، ص 213؛
وسائل
المشعة
(المسلا
مهة
)
، ج 20، ص 323؛

المرسائل المرج

الم

ج 3، صص 490-494؛

طرائف المقال

ج 1، ص 213 و 214؛

مستدرکات علم رجال المحد ث،

ج عليه السلام ، ص 31؛

معجم رجال المحد ث

ج 15، ص 249؛

هد

ة

المعارف ن

ج 2، صص 23-24).

المقاب

برای محمد بن المحسن، المقابى آورده اند مانند:

«المصفاة» رجال شىخ طوسى، ص 402؛ اردبى لى، محمدعلى، پيشين؛ طرائف المقال، ج 1، ص 213؛ وسائل المشعة

(الإسلام

م

)

ج 20، ص 323)،

«المأشعري» طرائف المقال، ج 1، ص 21 عليه السلام،

«المأعرج» رجال شىخ طوسى، ص 402؛ اردبى لى، محمدعلى، پيشين؛ طرائف المقال، ج 1، ص 213؛ وسائل المشعة (الإسلام

ة

)

ج 20، ص 323)،

«ممولة» رجال شىخ طوسى، ص 402؛ اردبى لى، محمدعلى، پيشين؛ رجال كشى، ج 1، ص 41 عليه السلام؛ طرائف
المقال
ج 1،

ص 213؛

المرسائل المرجا

ل ة

،

ج 3، ص 15؛

مستدرکات علم رجال المحدث،

ج علیه السلام، ص 31. و

«قمی»

(

اختر معر

فة

المرجال

، ج 2، ص علیه السلام 16؛

نقدالمرجال

، ج 4، صص 181-182؛

مستدرکات علم رجال المحدث،

ج علیه السلام، ص 31؛

قاموس الرجال

، ج 9، صص 202-203؛

المذر

عة

، ج علیه السلام، ص 256). ذکر شده است.

لقب مشهور او «المصفّار» به معنای «رویگر»، و پس از آن «الماعرج» به معنای «لنگ» است. ظاهراً لقب صفّار به این دلیل است که او پیشه رویگری داشته است. این لقب «الماعرج» ناشی از نقص عضو بوده است برای تحقیر او را به این نام خوانده اند دقیقاً معلوم نیست، اما این گونه لقب گذاری که امروزه مذموم است و تنقید آن به حساب می آید، در بین مردم آن دوره مرسوم بوده و رواج داشته است.

لقب «قمی» به دلیل سکونت وی در قم و لقب «اشعری» حکایت از انتساب او به خاندان اشعری دارد. صفّار به لقب «مموله» نیز معروف بوده است و جناب کشی از ایشان با عنوان «المعروف بمموله» (

رجال کشی

، ج 1، ص 41 علیه السلام) نام برده است. با این حال سید خویی فرموده که «سؤالهایی که صفّار از حضرت عسکری علیه

السلام پرسیده ملقب به حموله بوده است» (

معجم رجال المحدث

ج 15، ص 249). شیخ طوسی نیز عبارتی نظیر عبارت سید خویی دارد. احتمال دیگر در مورد لقب مموله، این است که

این لفظ، مخفف محمد علی باشد که در زبان فارسی برخی محمد علی را مملی تلفظ می کنند. احتمالاً منشاء اشتباه برخی

که گفته اند سؤالهای او به مموله معروف بوده همین مسأله باشد، زیرا عرب ها قادر به تلفظ مملی نبودند. بنابراین گمان

می کردند که منظور از آن، «مملی» به معنی مفعولی یعنی املاء شده است.

نژاد و قبیله

نجاشی در کتاب رجالش و شیخ طوسی در فهرستش، محمد بن حسن را فرزند فروخ (به فتح فاء و تشدید راء)، از موالی ع سی بن موسی بن طلحه بن عبد دالمه بن المسائب بن مالک بن عامر اشعری می‌دانند. راجع به عیسی بن موسی اطلاعاتی در دست نیست، اما از نوادگان سائب بن مالک اشعری است. در تاریخ قم آمده که زمانی که پدر محمد بن سائب همراه مختار در کوفه شهید شد، مصعب بن زبیر او را از حبس خلاص کرد. محمد بن سائب از شجاعان و مردان روزگار خود بود. حجاج او را برای مأموریتی فرستاد و او پس از مدتی از انجام مأموریت سرپیچی کرد؛ لذا حجاج دستور داد تا او را بکشند. به روایتی دیگر، حجاج هم فرزندان مالک بن عامر اشعری را امر کرد که از کوفه بروند. بنابراین همگی آنان از کوفه بیرون رفتند و فرزندان سائب در منطقه ای به نام «ماه بن» ساکن شدند.

پس از آنکه فرزندان سعد بن مالک به قم رفته آنجا ساکن شدند؛ فرزندان سائب را به شهر قم دعوت کردند و ایشان نیز به شهر قم آمدند و در آنجا عزت یافتند (تاریخ قم، ص 258-261). به هر روی، صفار از موالی اشعری‌ها بوده است. چنانچه ذکر شد او را مولای عیسی بن محمد گفته‌اند. منظور از موالی، افراد غیر عربی هستند که خودشان یا اجدادشان با یکی از قبایله عربی و یا با شخص خاصی از عرب‌ها عقد ولاء داشته‌اند و به نوعی زیردست و بنده آن اعراب محسوب می‌شدند؛ به اصطلاح امروزی شهروندان درجه دوم بودند. نوعاً ایرانیان مسلمان چنین وضعیتی را در بین اعراب داشتند و بیشتر موالی از ایرانیان تازه مسلمان بودند.

شکی نیست که جناب صفار، از موالی بوده، اما ایرانی بودن او معلوم نیست. با این حال چون او در قم زندگی می‌کرده و متوفی در قم نیز هست، احتمال ایرانی بودنش می‌رود. قرینه دیگری که ایرانی بودن وی را تقویت می‌کند، فتوای مشهور جناب صفار راجع به جواز قرائت ذکر قنوت به زبان فارسی است. احتمالی که راجع به لقب مموله گفته شد، قرینه دیگری بر ایرانی بودن صفار است.

مدح و ستایش

در برخی موارد، مدح و ذم مستقیم از جانب ائمه: راجع به اصحابشان وجود دارد. این گونه روایات در جرح و تعدیل راوی بسیار مفیدند؛ اما در بسیاری از موارد هم روایاتی که بتوان از آنها برای جرح و تعدیل استفاده کرد، وجود ندارد. در این صورت باید از راه‌های دیگری به جرح و تعدیل راوی پرداخت. یکی از مهمترین روش‌ها، سخنان رجالیون و علما است؛ خصوصاً آن دسته از اشخاصی که با راوی هم‌عصر بوده‌اند و به طور مستقیم با راوی تماس داشته‌اند.

شخصیت صفار در روایات

صفار چندین نامه به محضر امام حسن عسکری علیه السلام نوشته و در آن نامه‌ها سؤالاتی (معمولاً فقهی) از محضر امام پرسیده است. این نامه‌ها و جواب‌هایی که از طرف امام علیه السلام به آنها داده شده، در منابع حدیثی شیعه موجودند. در این توقیعات، امام علیه السلام راجع به ستایش یا نکوهش ابو جعفر مطلبی ذکر نموده است. روایت یا

روایاتی هم مبنی بر نکوهش یا ستایش صفّار وجود ندارد، اما همین مقدار که جناب صفّار نامه‌هایی به حضرت عسکری علیه السلام نوشته و ایشان نیز نامه‌های وی را جواب می‌داده، حاکی از شخصیت علمی ایشان و چه بسا از وثاقت او در نزد امام است.

کلام علما

در کتب فهرست و رجال آمده که او در بیشتر ابواب فقه کتاب حدیثی نوشته بوده و در تألیفاتش، از شیوه‌ای که حسین بن سعید در نگارش ابواب فقهی داشته، تبعیت کرده است. علاوه بر آثار حدیثی - فقهی، او در بسیاری از مسائل اعتقادی - از جمله مباحث امامت - نوشته‌هایی داشته است. البته آثار او عمدتاً صبغه حدیثی داشته و احتمالاً جز نقل احادیث، چیزی دیگر در کتاب‌هایش یافت نمی‌شده است.

تغایر نجاشی حاکی از مهمان‌داری در نزد محدثان و رجال آن امامی است. نجاشی او را به «قال المسقط» در روایت می‌خواند (رجال نجاشی، ج 1، ص 354). البته لفظ قلیل المسقط، ضمن این - که بار معنایی مثبت دارد به نوعی هم نشانگر ذم راوی است و احتمالاً به این علت است که صفّار برخی از احادیث را به صورت مرفوعه نقل کرده و واسطه‌ها را در سند نیاورده است.

همچنین بزرگانی مانند: علامه حلی در خلاصه الماوال (ج 1، ص 15 علیه السلام)، ابن داود حلی در رجالش (ج 1، ص 30 علیه السلام)، سید خویی در معجم رجال الحدیث (ج 15، ص 25 علیه السلام)، ضمن نقل سخن نجاشی، وثاقت محمد بن المحسن المصفاّار را تأیید کرده‌اند.

ذم و نکوهش

همان‌گونه که ذکر شد؛ در روایات امام حسن عسکری علیه السلام، ستایش یا نکوهشی نسبت به شخصیت محمد بن حسن صفّار نیامده است. تنها مسأله‌ای که برخی آن را به عنوان نکوهش این راوی مطرح کرده‌اند، این است که محمد بن حسن بن ولید کتاب بصائر المدرجات او را نقل نکرده است.

ابن ولید از شخصیت‌های برجسته در بین راویان حدیث است. شیخ طوسی در فهرستش راجع به او گفته است: «المقمی جمل المقدّر عارف بالرجال مؤثوق به» (فهرست طوسی، ص 443).

و به گفته نجاشی و شیخ طوسی، راوی اصلی صفار، یعنی محمد بن حسن بن ولید (وفات 343 هـ.ق، 953 م) محدثی محترم و معتبر، فقیه و مفسر قرآن بود. او هم آثار صفار را به جز «کتاب بصائر المدرجات» روایت کرده است (فهرست طوسی، ص 143؛ رجال نجاشی، ص 262).

[2]

همان گونه که مشهور است، ابن ولید با تفکر غالیانه مبارزه می کرده است. اگر مضامین روایات کتاب بصائر المدرجات را که در مورد امامت و شئون آن است به این مطالب بیفزاییم؛ در نظر بدوی نتیجه این خواهد شد که ابن ولید، به دلیل این که صفار تفکر غالیانه داشته، کتاب او را روایت نکرده است.

نجاشی پس از نقل عناوین کتاب های صفار، یکی از طرقی را که به این کتاب ها داشته چنین می نویسد:

«أخبرنا بكتبه كلها ما خلا بصائر المدرجات، أبو المحسن بن علي بن أحمد بن محمد بن طاهر الأشعري المقي قال: حدثنا محمد بن المحسن بن الوليد عنه بها» (رجال نجاشی، ج 1، ص 354).

بنابراین عدم نقل ابن ولید، موجب گمانه زنی هایی راجع به کتاب بصائر المدرجات و نویسندگانش آن محمد بن حسن شده است. امیر معزی در این باره می گوید: «پیدا است که صفار قمی و به ویژه «کتاب بصائر المدرجات» او محل اشکال و تردید بوده و هست» (صفار قمی و کتاب بصائر المدرجات، جلد 280، شماره 3).

کلامی که مامقانی از علامه مجلسی در این زمینه نقل می کند بسیار گویا است: اگر ابن ولید، بصائر المدرجات را روایت نکرده است به این دلیل است که فکر می کرد محتوای این کتاب نزدیک به شیعیان اهل غل و است. «عدم روایه ابن الولید لبصائر المدرجات لتوهمه أن هو يقرب المغل و» (تنقح المقال فی علم الرجال، ج 3، ص 103).

به تبع همین نظریه، برخی از پژوهشگران سؤالاتی مطرح نموده اند که حائز اهمیت است؛ از جمله این که با وجود اهمیت کتاب بصائر المدرجات و اهمیت احادیث آن در مباحث امام شناسی شیعی، چرا روایات صفار مورد اعتنای گستردگانی از منابع همانند: الکافی قرار نگرفته است؟ آیا کلامی با وجود آن که کتاب الحجج خود را به هم ن دست احادیث اختصاص داده است، ن از بی به نقل احادیث بصائر نداشته است؟ اصولاً رابطه کتاب بصائر المدرجات کنونی با کتاب الحجج کلامی چیست؟ آیا او کتاب بصائر المدرجات کنونی را می شناخته است؟ آیا آن را تألیف از صفار می انگاشته است؟

انصاری معتقد است: محمد بن حسن کتابی به نام بصائر المدرجات نداشته و کتاب بصائر المدرجات کنونی که به نام

صفّار منتشر شده، بر اساس کتاب بصائر المدرجات سعد بن عبدالله تنظیم شده و اضافاتی نیز بر آن افزوده شده است (حسن انصاری، مقاله شخصیت و جایگاه علمی محمد بن المحسن المصفا در مورد بصائر)

موقعیت و جایگاه علمی

از نامه نگاری صفّار با امام حسن عسکری علیه السلام چنین برداشت می‌شود که او از شخصیت‌های مطرح زمان خویش بوده و به لحاظ علمی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. تقریباً تمامی پرسش‌های او از محضر امام حسن عسکری علیه السلام راجع به مسائل فقهی است. امیر معزی می‌نویسد:

«صفّار قمی یکی از استادان شیخ کلینی در زمین حدیث بود: از شیخ کلینی تا ابن ابی زینب نعمانی، ابن بابویه، شیخ طوسی و سرانجام علامه مجلسی، مؤلفان بزرگ به کرات از صفّار قمی نقل قول کرده‌اند. این امر بیانگر اهمیت صفّار قمی در تدوین و تألیف اصول مکتب امامیّه است.» (صفّار قمی و کتاب بصائر المدرجات، جلد 280، شماره 4).

سایر رسالتهای او احتمالاً حاوی احادیث اعتقادی امامیّه بوده‌اند: «کتاب الرد علی الغلاة» (رد آراء غیر امامیّه)،
«کتاب
پیشگویی‌های آخر الزمانی»، «کتاب
المتقیه
»، «کتاب
المؤمن
»، «کتاب
المناقب
» (ستایش معصومین و اهل تشیع)، «کتاب
المثالب
» (نکوهش دشمنان امامیّه)، «کتاب
ما روی فی اولاد الائمه
» (روایت احوال فرزندان ائمه) و سرانجام «کتاب
بصائر المدرجات
».

در مجموع می‌توان ادعا نمود جناب محمد بن حسن در مباحث اصول اعتقادی خصوصاً مباحث امامت و در فروع دین و احتمالاً در تمامی مباحث و ابواب فقهی احادیثی را جمع‌آوری کرده است.

اساتید صفّار

تعداد مشایخ و راویانی که صفار از آنها روایت نقل کرده است، به بیش از 150 نفر می‌رسد [3]. در نظر بدوی، انسان تصور می‌کند که تعداد کثیری از راویان حدیث در گرد آمدن کتاب اصلی صفار یعنی بصائر المدرجات نقش داشته باشند، اما با دقت و توجه به آمار روایات خواهیم دید که صفار اکثر احادیث را از تعداد کمتری از راویان، که بیشتر قمی و به خصوص اشعری هستند، روایت کرده است. نیومن در این باره می‌نویسد:

«ملاحظه فهرست راویانی که صفار، 1881 حدیث بصائر را از طریق آنها، جمع‌آوری کرده است، نشان می‌دهد که وی 1215 حدیث یعنی 5/64 درصد از کل را از کمتر از 12 منبع روایت کرده است. او 501 حدیث (2 علیه السلام درصد از کل) را از احمد بن محمد، 21 علیه السلام حدیث (5/11) درصد را از محمد بن حسین کوفی، 110 حدیث (8/5 درصد) را از محمد بن عیسی بن عبید، 105 حدیث (5/5 درصد) را از ابراهیم بن هاشم قمی، 95 حدیث (5 درصد) را از یعقوب بن یزید بغدادی، 58 حدیث (3 درصد) را از محمد بن عبدالمجبار قمی، 28 حدیث (5/1 درصد) را از عبدالله بن جعفر حمیری قمی، 2 علیه السلام حدیث (4/1 درصد) را از عباس بن معروف و 21 حدیث (یک درصد) را از حسین بن محمد بن عمران اشعری روایت کرده است» (دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، چ اول، ص 220).

دیدیم که صفار 501 حدیث را از احمد بن محمد نقل کرده است. با این حال در جستجویی که در کتاب بصائر المدرجات

انجام شد، 4 علیه السلام 5 حدیث از راوی با عنوان احمد بن محمد بدون لقب و کنیه نقل شده است. احادیثی که در آنها احمد بن محمد با لقب و کنیه آورده است، عبارتند از: 34 حدیث را از احمد بن محمد بن ابی‌نصر و 12 حدیث را از احمد بن محمد عیسی، چهار حدیث را از احمد بن محمد المیساری، یک حدیث را از احمد بن محمد بن خالد برقی و یک حدیث را از احمد بن محمد بن مسلم نقل کرده است.

در این میان، 4 علیه السلام 5 حدیث می‌بینیم که صفار آنها را از احمد بن محمد نقل کرده است و معلوم نیست منظور از این راوی، کدام یک از این روایت است. در این برهه زمانی لااقل دو راوی بزرگ و مشهور به نام احمد بن محمد وجود دارد؛ یکی احمد بن محمد بن خالد برقی گردآورنده کتاب محاسن و دیگری احمد بن محمد عیسی اشعری. جالب آنکه دو شخصیت مذکور درگیری‌هایی با هم داشته‌اند. به هر روی در بسیاری از موارد، روشن نیست که منظور از احمد بن محمد کدام یک از دو راوی است.

تا جایی که از بررسی اسناد به دست می‌آید، صفار از استادش احمد بن محمد بن عیسی اشعری روایات فراوانی نقل کرده است؛ بنابراین به احتمال قوی منظور از احمد بن محمد در تعداد معتابیهی از 4 علیه السلام 5 حدیث مذکور، همان احمد بن محمد بن عیسی باشد. در ادامه شرح حال مختصری از برخی از اساتید وی ذکر می‌کنیم.

1. ابو جعفر، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، از اصحاب امام رضا، امام هادی و حضرت عسکری، امامی، ثقه، از بزرگان تشیع و رئیس قمیین بوده است ()

فهرست طوسی، ص 60؛ رجال طوسی، ص 351؛ رجال علامه حلی، ص 13)
. وی دیدارهایی با حضرت رضا، حضرت جواد و امام حسن عسکری
: داشته است.

از اجداد او سعد بن مالک احوص، اولین کسی بود که در قم سکنی گزید. گفتیم که بین صفار و این خاندان عقده و لاء جاری بوده و صفار از موالی اشعری-ها شمرده شده است؛ بنابراین رابطۀ نزدیکی بین او و صفار وجود داشته است. علاوه بر احادیثی که در کتاب بصائر المدرجات از احمد بن عیسی نقل شده است، در کتب اربعه نیز صدها حدیث وجود دارد که صفار از احمد بن عیسی بدون واسطه نقل کرده است.

صفار علاوه بر اینکه احادیث فراوانی را از وی نقل کرده، ناقل کتاب-های وی و میراث مکتوب او نیز هست. شیخ طوسی در طریقهش به کتاب-های احمد بن محمد عیسی می نویسد: «أخبرنا عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن الحسن بن المولود عن أبي ه عن محمد بن الحسن المصفاة وسعد جم ما عن أحمد بن محمد بن ع سي» (فهرست طوسی، ص 60).

2. ابو جعفر، محمد بن حسن بن ابی-خطاب (متوفی 262 هـ ق)، کوفی، همدانی، ملقب به زیات، او را با اوصاف امامی، ثقه (همان)، شیعه و مؤلف کتاب-هایی مانند: «کتاب توحید»، «کتاب المعرفة و المبدء»، «کتاب المراد علی اهل المقدر»، «کتاب الامامة»، «کتاب الملؤلوة»، «کتاب وصايا المائمه»: «و کتاب النوادر» بوده و از اصحاب حضرت هادی علیه السلام بوده است. (رجال طوسی، ص 391). او احادیث فراوانی را از ائمه طاهرين نقل کرده است.

محمد بن حسین از اساتید اصلی صفار بوده و در منابع اصلی حدیث شیعه لااقل 3 علیه السلام روایت وجود دارد که

صفّار از ایشان نقل کرده است. در کتاب بصائر نیز بالغ بر 213 روایت وجود دارد که صفّار مستقیماً از ایشان نقل کرده است.

صفّار میراث دار مؤلفات او نیز بوده است. نجاشی در طریقیش به کتب محمد بن حسین می نویسد: «أخبرنا علی بن أحمد عن محمد بن الحسن عن المصّار قال: حدثنا محمد بن المحسن بن بسائر كتبه» (رجال نجاشی، ص 334).

و شیخ طوسی در طریقیش به کتاب های محمد بن حسین آورده است: «أخبرنا ابن أبي جده عن ابن المولى د عن المصّار عن محمد بن المحسن» (فهرست طوسی، ص 60).

3. ابو جعفر، محمد بن عیسی بن عبد ملقب به یقطینی، عبیدی و بغدادی، متصف به امامی، ثقه و «حسن التصانيف» است. او علاوه بر روایات فراوان، مکاتباتی نیز با امام جواد علیه السلام داشته است (رجال نجاشی، ص 333). از بین تألیفات فراوان او می توان به کتابی در امامت و کتابی در رد واقفیه اشاره نمود. ابن ولید و تابعینش او را تضعیف کرده اند (رجال نجاشی، ص 402؛ رجال طوسی، ص 391 و 401 و 448؛ رجال کشی، ص 50 علیه السلام و 53 علیه السلام و 538؛ برقی، ص 58؛ رجال ابن داود، ص 508 و 528 و 541؛ رجال علامه حلی، ص 141). تعداد روایاتی که صفّار از محمد بن عیسی در کتاب بصائر المدرجات نقل کرده، به بیش از 150 حدیث می رسد. اما آثار مکتوب محمد بن عیسی را صفّار نقل نکرده است؛ به عبارت دیگر، در طریق شیخ طوسی و نجاشی به کتاب های محمد بن عیسی نامی از صفّار نیست.

4. ابواسحاق، ابراهیم بن هاشم قمی، وی از اصحاب امام رضا علیه السلام، امامی، ثقه و راوی جلیل المقدر است (فهرست طوسی، ص 11؛ رجال طوسی، ص 353؛ رجال ابن داود، ص 20). از اهالی کوفه بوده که به قم رفته است. نخستین کسی است که احادیث کوفه را در قم نشر داده است (رجال علامه حلی، ص 4). صفّار بالغ بر 103 حدیث را که در منابع اصلی شیعی آمده، از ابراهیم بن هاشم نقل کرده است. در کتاب بصائر المدرجات نیز 109 روایت از ابراهیم بن هاشم نقل شده است. ابراهیم بن هاشم تألیفاتی نیز داشته که، صفّار در طریق آثار مکتوب او قرار نگرفته است.

5. ابویوسف، یعقوب بن زید انباری، ملقب به انباری، قمی (رجال ابن داود، ص 3 علیه السلام 9)، کاتب و سلمی، متصف به امامی و ثقة، و از راویان جلیل‌المقدر است)

رجال نجاشی

، ص 450؛

فهرست طوسی

، ص 508؛

رجال طوسی

، صص 369 و 393؛

رجال کشی

، ص 612؛

رجال برقی

، صص 52 و 60؛

رجال ابن داود

، ص 3 علیه السلام 9؛

رجال علامه حلی

، ص

186

(. ایشان مؤلف کتاب‌هایی مانند: « کتاب

المبداء

»، « کتاب

المسائل

»، « کتاب

نوادر المحج

» و « کتاب

المطعن علی و نس

« است. ظاهراً متولد شهر انبار بوده و بعدها به بغداد کوچ کرده است)

رجال نجاشی

، ص 450). شیخ طوسی می‌نویسد: «له كتب منها کتاب النوادر. أخبرنا ابن أبي جاد عن محمد بن الحسن عن سعد بن

عبدالله) و المحم ری عن یعقوب بن زید» ()

فهرست طوسی

، ص 508).

بنابراین صف‌آر از جمله کسانی است که میراث دار آثار مکتوب یعقوب بن یزید بوده است.

6. ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد برقی، اصالتاً اهل کوفه است، امّاً به قم مهاجرت کرده و در همان‌جا از دنیا رفت (وفات 2 علیه السلام 4 یا 280 هـ) متصف به امامی و از راویان ثقة، صحابه مشهور امامان نهم، دهم و یازدهم

:

، مؤلف بیش از علیه السلام 0 کتاب از جمله «

رجال

» و «

محاسن
« که این دو انتشار یافته‌اند.)
رجال نجاشی
، ص علیه السلام 6؛
فهرست طوسی
، ص 51؛
رجال طوسی
، صص 3 علیه السلام 3 و 383؛
رجال ابن المغضائری
، ص 39؛
رجال برقی
، ص 5 علیه السلام و 59؛
رجال ابن داود
، صص 40 و 421؛
رجال علامه حلی
، ص 14)

از دیگر مشایخ صفّار می‌توان یاد کرد:

محمد ابن ابی المصعبان که همان محمد بن عبد المجبار قمی است، از راویان ثقه و از اصحاب امام هادی علیه السلام
(رجال
داود، ص 28 علیه السلام ؛
ر
جال
علامه
حلی، صص 142 و 2 علیه السلام 0)،

ابوعباس، عبدالله بن جعفر الحمیری قمی (وفات پس از 293 هـ ق، 905 م)، صحابه امامان دهم و یازدهم، متصف
به شیخ القمیین و وجههم)
رجال نجاشی
، ص 219؛
فهرست طو
سی، ص 294؛
رجال طوسی
، صص 389 و 400؛ ر
جال کشی
، ص 605؛
رجال ابن داود
، صص 200 و 401؛
رجال علامه حلی

، (ص 106)،

ابوعلی، احمد بن اسحق - بن عبدالله قمی اشعری، امامی، ثقه، از صحابه امامان نهم، دهم و یازدهم: (رجال نجاشی، ص 91؛ فهرست طوسی، ص 63؛
رجال طوسی
، صص 3 علیه السلام و 3 و 39 علیه السلام ؛
رجال کشی
، ص 55 علیه السلام ؛
رجال برقی
، صص 56 و 59؛
رجال ابن داود
، ص 24؛
رجال علامه حلی
، ص 15)،

ابوالحسین، ابوبن نوح نخعی، کوفی، صحابه امامان نهم، دهم و یازدهم: و وکیل امامان دهم و یازدهم (8) فهرست
طوسی
ص 43؛
رجال طوسی
، ص 352 و 383؛
رجال کشی
، صص 508، 514، 55 علیه السلام و 5 علیه السلام ؛
رجال برقی،
صص 29، 54 و 5 علیه السلام ؛
رجال ابن داود
، ص 64؛
رجال علامه حلی
، صص 12 و 2 علیه السلام (1)،
حسن بن علی بن نعمان
کوفی، او را با وصف «ثقة ثبت» ()
رجال نجاشی،
ص 40؛
رجال علامه حلی
، ص 41 (ستوده - اند)
رجال المطوسی،
ص 398)
[\[4\]](#)
،

حسن بن موسی خشّاب، متصف به «امامی»، «ثقه»، «من وجوه أصحابنا»، «کثر المعلم و المحدّث» (رجال نجاشی،

ص 42؛
رجال ابن داود
، ص 119؛
رجال علامه حلی
، ص 42؛

ابوعبدالله حسین - بن محمد بن عامر اشعری قمی (نام دیگر او حسین - بن محمد بن عمران - بن ابی - بکر اشعری
(تفرشی، پیشین، ج 2 ص 114)، از راویان ثقه (مستدرکات علم رجال
المحدث، ج 3 ص 191)،

ابواسحاق، ابراهیم - بن اسحق احمدی نهاوندی (وفات 268 هـ.ق، 899 م)، صحابه امام دهم علیه السلام،

ابوجعفر، محمد بن یحیی عطار قمی، امامی مذهب و ثقه (رجال نجاشی، ص 353؛ رجال علامه حلی، ص 15 علیه
السلام)،

ابوسعید، سهل - بن زیاد آدم (آدمی) رازی، صحابه امامان نهم، دهم و یازدهم؛ ابویوسف، یعقوب - بن اسحق سکیت،
امامی و از راویان ثقه، صحابه امام نهم علیه السلام (رجال المنجاشی
، ص 450)،

ابوالحسن، احمد بن المحسن بن علی - بن فضال ملقب به فیاض، فطحی مذهب (همان، ص 81)، ثقه در نقل حدیث (فه
رست طوسی
، ص 58)، متوفی به سال 260 هـ.ق (رجال علامه حلی
، ص 203)،

ابوبشر، المسندی - بن محمد البزاز (ابان - بن محمد)، ملقب به بجلی، متصف به «امامی»، «ثقه» و «کان وجهها فی
اصحابنا المکوفیین» از اصحاب حضرت هادی علیه السلام (رجال نجاشی، ص 14؛ فهر
ست طوسی
، ص 228؛
رجال ابن داود
، ص 1 علیه السلام 9؛
رجال علامه حلی
، ص 82)،

أبوالمفضل، عباس بن معروف قمی (رجال طوسی، ص 361)، از اصحاب امام جواد علیه السلام، از موالی اشعری-ها،
متصف به «ثقه» و «امامی» (رجال علامه حلی، ص 118)،

عباد بن سلیمان، «امامی» و «ثقه» (رجال نجاشی، ص 281)، از اساتید صفّار (رجال طوسی، ص 433)، ابوالحسن،
علی بن حسان الهاشمی
متصف به «ضعف لاجدا» (رجال نجاشی، ص 251)، «غال ضعیف» (رجال ابن غضائری
ص علیه السلام علیه السلام) و «فاسد الاعتقاد» (رجال علامه حلی
ص 233)،

عبدالله بن محمد المجعفی؛ او امامی مذهب بوده، از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام، ابوعبدالله، محمد بن
خالد المط المسی تمیمی
متوفی به سال 259 هـ از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام (رجال نجاشی،
ص 340؛
فهرست طوسی،
ص 421
؛ رجال طوسی،
ص 343)،

سندی بن ربیع بغدادی، امامی مذهب و از اصحاب حضرت موسی بن جعفر و امام رضا: رجال نجاشی، ص 18
علیه السلام
؛ رجال طوسی،
ص 358).

یکی از روایانی که از اساتید صفّار شمرده شده، ابوعبدالله، احمد بن محمد بن سیّار، معروف به کاتب، سیّاری،
اصفهان، قمی و بصری از صحابه امام یازدهم علیه السلام و احتمالاً امام دهم علیه السلام است. او متهم بود که از اهل
«غل و غل» است و این ظن بر او می‌رفت که احادیث غل و آمیز را به امامان نسبت داده است (تخلیط). شیخ طوسی او را
«ضعیف الحدیث» (فهرست
طوسی

ص 5)
علیه السلام (شمرده و گفته که ایمان وی به فساد گراییده است (فاسد المذهب، منحرف) (همان). با این وجود، او یکی از
شخصیت‌هایی است که صفّار قمی از او نقل حدیث کرده است. رابط او و صفّار می‌توانست عاملی برای تضعیف
صفّار باشد؛ زیرا او را اهل غلو دانسته‌اند و در حدیث نیز تضعیف کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد صفّار احادیث بسیار
اندکی را از او نقل کرده است. در گذشته نیز ذکر شد که در کتاب بصائر المدرجات تنها چهار حدیث از سیّاری نقل شده که
از آن‌ها یک حدیث را بدون واسطه از سیّاری نقل کرده است و سه حدیث دیگر با واسطه روایان دیگری از سیّاری نقل

شده است.

تا این جا سعی کردیم اساتید و مشایخ صفار را که دارای اهمیّت بیشتری بودند معرفی کنیم؛ برای رعایت اختصار از ذکر مشخصات سایر اساتید صفار خودداری می‌کنیم.

امیر معزی در مقاله اش نکته‌ای نقل می‌کند که قابل تأمل است. او می‌گوید:

«برخی از آنها (اساتید صفار) صحابهٔ امامان ششم، هفتم، هشتم یا نهم: بودند (سندی بن ربیع، محمد بن خالد طیالمیسی، هیثم بن ابی‌المسروق نهدی، و غیره) که به دلیل عدم تطابق تاریخی، صفار قمی نمی‌توانسته سخن آنها را شخصاً شنیده باشد»
المدرجات
4، ص 12).

گفته شد که صفار در سال 290 هجری وفات یافته است؛ چنانچه وفات محمد بن خالد به سال 259 هجری باشد، او 31 سال پیش از صفار از دنیا رفته است؛ بنابراین نقل صفار از وی بعید به نظر نمی‌رسد. سندی بن ربیع با اینکه تاریخ وفاتش مشخص نیست، اما او از یاران امام رضا علیه السلام شمرده شده بنابراین احتمال این که او هم تا زمان جوانی صفار زنده باشد وجود دارد، یعنی به ضرس قاطع نمی‌توان مدعی بود که صفار نمی‌توانسته مستقیماً از او روایت نقل کند، اما در مورد هیثم نهدی حق با ایشان است. این در حالی است که در کتاب بصائر المدرجات صفار، تنها یک حدیث از سندی بن ربیع نقل شده است (بصائر المدرجات، ص 354).

شاگردان صفار

تلاش مجددانه صفار در جمع‌آوری احادیث اهل بیت: و وثاقت او سبب شده است که آثار روایی اش در جای جای منابع حدیثی یافت شود. البته اکثر کتاب‌های او که در زمینه فقهی - حدیثی نگاشته شده بود - و ما فهرستی از آن آثار را در همین مقاله آورده‌ایم - در گذر حوادث زمان مفقود شده و به دست ما نرسیده است؛ همان بلایی که بر سر بسیاری از منابع حدیثی آمده و امروزه دست بشریت از این میراث گرانبها تهی مانده است؛ با این حال همین مقدار اثری که از صفار باقی مانده است قابل اعتنا بوده و ستارگان عالم علم و حدیث از انوار این احادیث بهره‌های فراوان برده‌اند. بزرگانی مانند شیخ کلینی صاحب المکافی، علی بن حسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق)، محمد بن یحیی المعطار، سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن جعفر مؤدب، محمد بن حسن بن ولید. برای آشنایی بیشتر با شاگردان صفار و کسانی که از وی حدیث نقل کرده‌اند به معرفی اجمالی آنان می‌پردازیم:

1. ابو جعفر، محمد بن حسن بن ولید قمی [5] متوفی 343 هجری، امامی، ثقه، از محدثین جلیل‌المقدر شیعی و از بزرگان

شهر قم بوده است (رجالی نجاشی، ص 383؛ فهرست طوسی، ص 442). او از شاگردان اصلی صفار بوده و احتمالاً بیشترین روایت را از او نقل کرده است و هموست که از تألیفات صفار، کتاب بصائر المدرجات را نقل نکرده است.

2. ابوجعفر، محمد بن حبی العطار؛ از بزرگان تشیع در زمان خودش بوده؛ از راویانی است که به کثرت روایت مشهور بوده و وثاقت او مورد اجماع رجالیون قرار گرفته است (رجال نجاشی، ص 353؛ رجال طوسی، ص 439؛ رجال ابن داود، ص 340). کمتر

از 30 روایت را از صفار نقل کرده است و در مقابل حدود 1300 روایت را از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب نقل کرده است. ظاهراً دسترسی او به محمد بن الحسین و دیگر مشایخ صفار سبب شده که تعداد روایت او از صفار کمتر باشد.

از بررسی شاگردان صفار به دست می‌آید که وی از محدثین بلند پایه شیعی محسوب می‌شود و آثار مکتوب فراوانی داشته که مورد استفادۀ علما قرار گرفته، با این حال در نشر شفاهی و تدریس حدیث نقش چندانی نداشته است.

تألیفات صفار

مقا س کتاب های فقهی او با سایر کتاب های مشهور به روشنی مؤید آن نکته است که او در مقام نخست مک محدث اهل فقه بوده و بیشتر به آن جنبه از احادیث امامان اعتنا داشته است. با وجود اینکه دور حامت او و درگذشتش در دوران مهمی از غربت صغری امام مهدی علیه السلام (یعنی سال 290 هجری) قرار گرفته؛ اما روا امت او آن اندازه که توقع می‌رود در کتاب های حدیثی فراگردن است.

الف - نجاشی برای محمد بن الحسن المصفاّر تعداد 35 کتاب را ذکر کرده است (رجال نجاشی، ج 1، ص 354). دست یابی او به کتاب های محمد بن الحسن بن فروخ از دو طریق بوده است:

1- أخبرنا بكتبه كلها ما خلا بصائر المدرجات أبو المحسن بن علي بن أحمد بن محمد بن طاهر الأشعري المقي قال: حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد عنه بها.

2- وأخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن حبي عن أبيه عنه بجمعه كتبه و بصائر المدرجات.

ب - شیخ طوسی در فهرستش می‌نویسد: تألیفات محمد بن المحسن بن فروخ، مانند کتب فقهی حسین بن سعید است و سپس علاوه بر 30 کتاب مذکور، کتاب بصائر المدرجات و سؤالات محمد بن المحسن از امام یازدهم علیه السلام را نیز بیان می‌دارد.

شیخ طوسی در طریق دستیابی اش به کتاب‌های ابوجعفر، سه طریق ذکر کرده است.

1- أخبرنا بجم ع کتبه و روا ائه ابن أبي ج د عن محمد بن المحسن بن المول د عن محمد بن المحسن المصف آر.

2- و أخبرنا جماعة عن محمد بن علي بن المحسن بن عن محمد بن المحسن عن محمد بن المصف آر عن رجالة إلما کتاب بصائر المدرجات فإنه لم روه عنه (محمد بن المحسن) بن المول د.

3- و أخبرنا المحسن بن بن عبد د المله عن أحمد بن محمد بن يحي عن أبي ه عن محمد بن المحسن المصف آر.

مقایسه بین نقل رجال نجاشی و فهرست طوسی

شیخ طوسی در فهرستش در شمارگان کتاب او گفته که محمد بن المحسن 30 کتاب مانند کتاب‌های حسین بن سعید دارد بدون این که عناوین این کتاب‌ها را ذکر کند. شیخ در جای دیگر فهرستش کتاب‌های حسین بن سعید را نام برده و گفته که او 30 کتاب دارد و سپس عنوان 31 کتاب را ذکر کرده است (فهرست طوسی، ص 150)! نجاشی هم این 30 کتاب را برای حسین بن سعید ذکر کرده است (فهرست طوسی، ص 150).

با این تفاوت که او کتابی را که شیخ طوسی تحت عنوان کتاب «المبشرات» آورده، ذکر نکرده است. علاوه بر این 30 کتاب، کتاب دیگری به نام «بصائر المدرجات» و کتابی مشتمل بر سؤالات بوده که به محضر مبارک امام حسن عسکری علیه السلام نوشته شده است؛ بنابراین مجموع عناوینی که شیخ طوسی از تألیفات محمد بن حسن صفار شمرده، 33 عنوان خواهد بود. همچنین شیخ اذعان دارد که علاوه بر این کتاب‌ها، عناوین دیگری نیز بوده است (فهرست طوسی، ص 408).

از مقایسه این دو نقل، متوجه می‌شویم که نجاشی شش کتاب با عناوین کتاب «الجنائز»، کتاب «المواریت»، کتاب «ما روی فی اولاد المائمه» :

« کتاب »

ما روی فی شعبان

« کتاب »

المجاهد

« و کتاب »

فضل القرآن

« را ذکر کرده که شیخ طوسی آنها را ذکر نکرده است. شیخ طوسی هم (با توجه به این که معتقد است محمد بن الحسن کتاب‌هایی مانند کتاب‌های حسین بن سعید دارد) دو کتاب با عناوین کتاب «ا

لوصایا

« کتاب »

المتفسیر

»

، و کتابی تحت عنوان «سؤال‌ها از محضر امام حسن عسکری علیه السلام» را در فهرست کتاب‌های محمد بن حسن صفار آورده (المبتدئ بنا را بر این می‌گذاریم که شیخ طوسی در مورد کتاب‌های ابشارت اشتباه کرده و حسین بن سعید چنین کتابی نداشته باشد)، اما نجاشی متذکر سه کتاب مذکور نشده است. بنابراین مجموع کتاب‌هایی که در این دو فهرست به صفار نسبت داده شده به 38 عنوان می‌رسد. که در جدول زیر بطور تطبیقی آمده است.

عناوین کتاب‌های محمد بن الحسن بن فروخ:

کتاب

نج

طو

1

المصلا ؤ

+

+

2

الموضوع

+

+

3

المجنّز

+

-

4

المصیام

+

+

5

الحج

+

+

6

النکاح

+

+

عليه السلام

المطلاق

+

+

8

المعتق والتدبير و المكاتبه

+

+

9

المنجارات

+

+

10

المكاسب

+

+

11

المصيد و المذبذب

+

+

12

المحدود

+

+

13

المدیات

+

+

14

المفرائض

+

+

15

المدعاء

+

+

16

المواريث

+

-

1 علیه السلام

المزار

+

+

18

الرد علی الغلا ة

+

+

19

المشربه

+

+

20

المروءة

ع

+

+

21

المزهد

+

+

22

المخمس

+

+

23

المزما ٥

+

+

24

المشادات

+

+

25

الملاحم

+

+

26

المؤمن

+

+

2 علیه السلام

التقیه

+

+

28

الایمان و المنذور و المكفارات

+

+

29

المناقب

+

+

30

المطالب

+

+

31

بصائر المدرجات

+

+

32

الموصایا

-

+

33

المتفسیر

-

+

34

ما روی فی اولاد الائمه :

+

-

35

ما روی فی شعبان

+

-

36

المجاهد

+

-

3 علیه السلام

فضل القرآن

+

-

38

مسائل کتب بها المی ابی محمد علیه السلام

-

+

گزارشی از آثار

متأسفانه از تألیفات فراوان صفار تنها کتاب بصائر المدرجات به دست ما رسیده است؛ البته نامه‌هایی که او به محضر امام یازدهم علیه السلام نوشته بود نیز در کتاب‌های حدیثی موجود است. برخی از این نامه‌ها به دست شیخ صدوق رسیده بوده و او تصریح می‌کند که جواب نامه‌ها را که به خط حضرت عسکری علیه السلام نوشته شده بود رؤیت کرده است. برای نمونه یکی از توقیعات حضرت را در ذیل می‌آوریم:

«كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَصْفَارِ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا حَدَّثَ الْمَاءَ الَّذِي
يُغْسَلُ بِهِ الْمَيِّتَ كَمَا رَوَوْا أَنَّ الْإِسْلَامَ بِسِتَّةِ أَرْطَالٍ مِنْ مَاءٍ وَالْحَيُّ بِتِسْعَةِ أَرْطَالٍ
فَهَلْ لِلْمَيِّتِ حَدٌّ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي يَغْسَلُ بِهِ؟ فَوَقَّعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّ غَسْلِ الْمَيِّتِ يَغْسَلُ حَتَّى يَطْهَرَ
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. وَهَذَا الْمَتَوَقَّعُ فِي جُمْلَةِ تَوَقُّعَاتِهِ عِنْدِي بِخَطِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صَحِيفَةٍ» (من
لا حضره المفق 4

ج 1، ص 142).

از جمله اخیر شیخ صدوق پیداست که توقیعات حضرت عسکری علیه السلام به دست او رسیده است.

کتاب فضل المدعاء صفار

روایتی در «کتاب عدة المداعي» ابن فهد حلی (م 841 هـ) وجود دارد که ایشان از «کتاب المدعاء» صفار نقل کرده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد کتاب المدعاء صفار تا زمان ابن فهد موجود بوده است. همچنین علی بن موسی بن طاووس (م 664 هـ) در «رسالة محاسبة النفس» خود (ص 15) و ابراهیم بن علی عاملی (م 905 هـ) در «کتاب المصباح» خود از این کتاب نقل کرده‌اند؛ بنابراین کتاب فضل المدعاء صفار لااقل تا قرن دهم موجود بوده است.

نشر احادیث صفار

متأسفانه بسیاری از آثار حدیثی شیعه در اثر گذر زمان از بین رفته است. نگارش جوامع حدیثی، یکی از عوامل مهمی است که سبب از بین رفتن برخی آثار شده است. با وجود جوامع حدیثی مانند الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و است

بصار، دیگر نیازی به برخی کتب حدیثی احساس نمی‌شد؛ بنابراین نسخه‌های فراوانی از کتاب‌های حدیثی در اثر عدم استنساخ، از بین رفته‌اند. کتاب‌های صفار نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست، چنانکه از اصول اربعه‌ا چیز دیگری نمانده است. بدیهی است نشر آثار در قرون گذشته به سختی صورت می‌گرفته و شرایط امروزه را نداشته است؛ در نتیجه اگر کتابی می‌توانست جایگزین سایر کتاب‌ها شود، تنها به نسخه برداری از آن کتاب اکتفا می‌شده است.

شیخ صدوق بسیاری از احادیث صفار را در آثارش نقل کرده است. دقیقاً نمی‌توان میزان و تعداد احادیث صفار را در آثار شیخ صدوق بررسی کرد؛ زیرا تمامی آثار شیخ صدوق موجود نیستند، اما در آثاری که باقی مانده‌اند و اکنون در دسترس ما هستند، بیش از 826 حدیث را از صفار نقل کرده است. از این تعداد 144 حدیث در کتاب

144 حدیث در کتاب

علل المشرايع

، 109 حدیث در کتاب

المخصال

، 66 حدیث در کتاب معانی الاخبار، 64 حدیث در کتاب الامالی، 62 حدیث در کتاب

من لایحضره الفقیه

، 53 حدیث در کتاب

التوحيده

، 31 حدیث در کتاب

كمال الدين و تمام المنعمه

، 29 حدیث در کتاب عیون اخبار المرضا، 9 حدیث در کتاب فضائل المشاهر الثلاثه، 4 حدیث در کتاب

فضائل المشیعه

و 4 حدیث در کتاب

صفات المشیعه

ذکر کرده است.

کتاب بصائر المدرجات

نام کامل این کتاب، بصائر المدرجات فی فضائل آل محمد 6 است. المبتته عنوان دیگری را امیر معزی برای آن ذکر کرده که به گفته او نسخ خطی با عنوان

فی علوم آل محمد

6

و ما خصهم الله به

[6]

هستند. نسخه منتشر شده که به تحقیق محسن کوچه باغی (قم 1404 هـ ق) است دارای عنوان
بصائر المدرجات فی فضائل آل محمد
6

است. از عنوان کتاب روشن می‌شود که صفار در صدد اثبات علم خاص و توانایی‌های منحصر به فرد ائمه
:

بوده و اینکه مؤمنان مؤظفند مطیع و دوستدار ایشان باشند. این کتاب 10 بخش دارد، هر بخش حدوداً شامل 20 باب و
مجموعاً دارای 1881 حدیث می‌باشد

[7]

یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در مورد صفار، کتاب بصائر المدرجات او است. انصاری در مقاله‌اش می‌نویسد که
صفار کتابی به این نام نداشته و کتابی که اکنون با عنوان بصائر المدرجات نوشته صفار در دسترس ما قرار دارد، در
حقیقت همان کتاب بصائر المدرجات سعد بن عبدالله اشعری است.

او در مقاله‌اش چنین می‌نویسد:

«کار تدوین بصائر المدرجات کنونی در اصل متعلق به محمد بن حنی المصطار، دیگر محدث برجسته این دوران
است که دقیقاً معاصر با سعد اشعری بوده است. وی متن کنونی را بر اساس متن بصائر المدرجات سعد اشعری و با استفاده از
شواهد استخراج‌شده؛ تنظیم کرد و احادیث تازه هم بدان افزود و آن را به دلیل منبع اصلی و المهام بخش آن
بصائر المدرجات خواند؛ که در حقیقت می‌توان آن را «مستخرج بصائر المدرجات» نامید، اما به دلیل آن
که احادیث دیگری هم در متن افزوده شده بود و نیز به دلیل آن که اصولاً شواهد استخراج‌شده بدون
آن که نامی از آن در محدثان امامیه برده شود، شواهدی معمول برای تدوین کتاب‌های حدیثی در زمان
امامیه بود. متن ساخته شد و دوم هم چنان بصائر المدرجات خوانده شد که به دلیل متن اولیه سعد اشعری بود.» [8]

مدعای ایشان قابل نقد است؛ اولاً این ادعا با مشهور مخالفت صریح دارد و طبق نقلی که از رجالیون آوردیم هم‌آن‌ها
صفار را صاحب بصائر المدرجات می‌دانند. تنها اشکالی که وجود داشت، عدم نقل ابن ولید بود که به آن اشاره شد، اما
تنها از عدم نقل ابن ولید نمی‌توان نتیجه گرفت که مؤلف بصائر المدرجات، صفار نبوده است. بسیاری از رجالیون و
محدثین، صفار را صاحب کتاب بصائر المدرجات می‌دانند (ر.ک: بحارالمنوار، دارالمکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا، ج 1، ص
6/10 علیه السلام، ص 118؛ مستدرک الوسائل، ج 18، ص 384؛ المخرائج و المجرائح، ج 2، ص علیه السلام 92؛
وسائل المشعة
(آل المبتدئ)،
ج 1، ص 3 علیه السلام).

علاوه بر شهرت انتساب، دلیلی دیگر وجود دارد که قابل اغماض نیست؛ استدلال ما این است که با بررسی آثار شیخ
صدوق، می‌بینیم که ایشان از کتاب بصائر المدرجات صفار، بیش از 21 حدیث را نقل کرده است که سند آنها با سند

بصائر المدرجات یکسان است.

صفار در بصائر المدرجات نقل می‌کند:

«حدثنا أحمد بن محمد بن علي بن المحكم بن عامر بن معقل عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام قال: أبا حمزة لا تضعوا على أقدامنا ما وضعه الله، ولما ترفعوه فوق ما رفعه الله كفي لعلي أن يقاتل أهل الكفرة وأن زوج أهل الجنة» (بصائر المدرجات، ص 435).

این حدیث را صدوق در کتاب املی اش آورده:

«حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن المولى د (رضي الله عنه)، قال: حدثنا محمد بن الحسن المصفاور، عن أحمد بن محمد بن ع سي، عن علي بن المحكم، عن عامر بن معقل، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: قال لي: أبا حمزة، لا تضعوا على أقدامنا ما وضعه الله، ولما ترفعوا على ما رفعه الله، كفي بعلي أن يقاتل أهل الكفرة، وأن زوج أهل الجنة» (املی صدوق، ص 284).

سندی که صفار برای حدیث فوق ذکر کرده، دقیقاً منقول شیخ صدوق نیز هست و محمد بن یحیی المعطار در سند روایت حضور ندارد. باید پذیرفت حدیث مذکور را صفار نقل کرده و شیخ صدوق به واسطه استادش جناب محمد بن حسن بن احمد بن ولید آن را از صفار نقل کرده است؛ بنابراین راوی این حدیث صفار بوده است.

احادیث دیگری نیز وجود دارد که برای اختصار فقط اسناد آن‌ها را می‌آوریم.

صفار اسناد ذیل را در کتاب بصائر المدرجات آورده است؛ در ذیل هر حدیث اسناد شیخ صدوق را نیز ذکر می‌کنیم:

1- حدثنا أحمد بن محمد بن علي بن سنان عن ابن مسكان عن موسى بن بكر قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام ... (بصائر المدرجات، ص 326-32 عليه السلام).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن المولى د رضى الله عنه قال: حدثنا محمد بن الحسن المصفاًر، عن أحمد بن محمد بن ع سي، عن محمد بن سنان، عن عبد الله بن مسكان، عن موسى بن بكر قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام ... (المخصال، ص 644).

2- حدثنا يعقوب بن ز د عن محمد بن أبي عم ر عن مرزوم عن أبي عبد الله عليه السلام قال... (بصائر المدرجات، ص 322 - 323).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن المولى د رضى الله عنه قال: حدثنا محمد ابن الحسن المصفاًر، عن يعقوب بن ز د، وإبراه م بن هاشم، عن محمد بن أبي عم ر، عن إبراهيم م بن عبد المحم د، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر عليه السلام قال... (المخصال، ص 64 عليه السلام).

3- حدثنا يعقوب بن ز د وإبراه م بن هاشم عن ابن أبي عم ر عن منصور بن ونس عن أبي حمزة الثمالي عن على بن الحسن بن قال... (بصائر المدرجات، ص 329).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن المولى د رضى الله عنه قال: حدثنا محمد ابن الحسن المصفاًر، عن يعقوب بن ز د، وإبراه م بن هاشم، عن محمد بن أبي عم ر، عن منصور بن حازم، عن أبي حمزة الثمالي، عن على بن الحسن بن 8 قال... (المخصال، ص 651).

4- حدثنا أحمد بن محمد عن البرقي عن ذكره عن أبي عبد الله عليه السلام قال... (بصائر المدرجات، ص 28).

این حدیث را شیخ صدوق با سند ذیل ذکر کرده است:

حدثني محمد بن الحسن قال حدثني محمد بن الحسن المصفاة عن محمد بن أحمد عن محمد بن خالد المبرقي عن
ذکره عن أبي عبد الله عليه السلام قال... (ثواب الأعمال، ص 131).

5- حدثنا محمد بن الحسن بن عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن المقاسم عن سماعة بن مهران قال قال أبو عبد الله عليه
السلام... (بصائر المدرجات، ص 434 - 435).

سند شیخ صدوق:

حدثنا محمد بن الحسن رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن الحسن المصفاة قال حدثنا محمد بن الحسن بن أبي
المخاطب، عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن المقاسم المحضمي، عن سماعة بن مهران قال: قال أبو عبد الله عليه السلام... (ع
للشرائع
ج 1، ص 164).

از اسناد فوق المذکر استفاده می شود که برخی از روایات بصائر المدرجات را شیخ صدوق با همان سند بصائر نقل کرده
است. عدم وجود محمد بن یحیی در اسناد مذکور شاهی بر تالیف بصائر توسط صفار محسوب می شود. علاوه بر اسناد
مذکور موارد دیگری نیز وجود دارند که برای اختصار از ذکر آنها خودداری می کنیم [9]. البته برای تکمیل این موضوع
لازم است تمامی اسناد بصائر المدرجات در آثار متأخر بررسی شود که نیاز به پژوهشی مجزا دارد.

نکته ای دیگر که از این نقل ها بر می آید، اعتماد ابن ولید به کتاب بصائر است. لذا این مطلب که بعضی از گویندگان
آورده اند که نقل نشدن بصائر توسط ابن ولید به دلیل مضامین غلو آمیز بصائر بوده که ابن ولید به دلیل دقت در نقل
نپذیرفته، با دیدن این اسناد، ابطال می شود. اعتماد صدوق بر مضامین بصائر نیز قرینه ای بر مدعای ما است که دقت در آن
ضروری است

ارتباط صفار با امام

در یگانه اثر موجود صفار یعنی کتاب بصائر المدرجات روایت مستقیم از معصوم وجود ندارد. شایان ذکر است که آثار

دیگر صف‌آر قمی مفقود شده و به دست ما نرسیده است و احتمال این - که در دیگر آثار او که مفقود شده، حدیث یا احادیثی وجود داشته که صف‌آر آن حدیث -ها را مستقیماً از امام یازدهم نقل کرده باشد؛ با این حال صرف احتمال نمی‌تواند چیزی را ثابت کند و اگر بخواهیم بنابر آثار موجود سخن بگوییم، صف‌آر قمی نقل مستقیمی از حضرت عسکری علیه السلام ندارد و شاید بتوان ادعا کرد که اگر نقل مستقیمی وجود داشت در برجسته‌ترین اثر وی یعنی بصائر المدرجات ذکر می‌شد. از عدم نقل مستقیم می‌توان نتیجه گرفت که صف‌آر هیچ‌گاه امام را ملاقات نکرده است.

علاوه بر اینکه صف‌آر از امام عسکری علیه السلام روایتی به صورت مستقیم نقل نکرده، همچنین از امام دهم علیه السلام نیز روایتی نقل نکرده است، در حالی - که او مدتی از امامت حضرت هادی (220 تا 254) را درک کرده است. عدم نقل مستقیم، شاهد خوبی است که او امام را ملاقات نکرده است.

نکته دیگری که قابل توجه و جالب به نظر می‌رسد، این است که صف‌آر از دو نایب نخست امام مهدی (عج)، یعنی عثمان بن سعید (نایب امام از 260 تا حدود 26 علیه السلام هـ، 8 علیه السلام 4 تا 880 م)، و محمد بن عثمان (نایب امام از حدود 26 علیه السلام تا 305 هـ، 880 تا 91 علیه السلام م) نیز روایتی نقل نکرده است.

با این وجود، او نامه‌هایی به محضر امام یازدهم علیه السلام نوشته است، در گذشته نیز ذکر شد که توقیعاتی که حضرت عسکری علیه السلام برای جناب صف‌آر فرستاده است در نزد شیخ صدوق موجود بوده و ظاهراً آن -ها در صحیفه -ای جمع بوده‌اند [10].

نکته این است که علاوه بر توقیعاتی که صف‌آر از جانب امام دریافت نموده و آن توقیعات گنجینه ارزشمندی از علوم آل محمد 6 است، کتاب دیگری نیز در نزد صف‌آر وجود داشته است کتابی به نام «المصحفه» که حضرت علی علیه السلام آن را به غلاف شمشیرش می‌آویخته و مجموعه‌ای از احکام حلال و حرام شریعت در آن صحیفه وجود داشته است. وجود این کتاب در نزد علی علیه السلام را جناب بخاری در چندین جای صحیحش متذکر شده است [11].

. صف‌آر به نسخه -ای از این صحیفه دسترسی داشته است (الکافی والمکافی، ص 25). و یکی از منابع او برای روایات همین نسخه بوده است.

نقش صف‌آر در انتقال میراث مکتوب

برای پی بردن به نقش صف‌آر در انتقال میراث مکتوب شیعی، دو کتاب فهرست نجاشی و فهرست شیخ طوسی را بررسی کردیم. صف‌آر در دو کتاب مذکور مجموعاً در سلسله اسناد بیش از 195 سند قرار دارد. به عبارت دیگر در این دو کتاب، 195 نفر از مؤلفان شیعی وجود دارد که آثار مکتوب آنان توسط صف‌آر نقل شده است. از مجموع 195 سند مذکور بیش از 11 علیه السلام سند وجود دارد که در آنها صف‌آر، واسطه میان دو قمی قرار گرفته است. به عبارت دیگر هم استادش قمی بوده و هم شاگردش و صف‌آر هم از اهالی قم است. بنابراین در این آثار صف‌آر تنها راوی است و انتقال از شهری به

شهر دیگر نبوده است. از این مجموعه اسناد 1 علیه السلام سند وجود دارد که در آنها صفّار روایت را از اساتید قمی دریافت نموده و به شاگردان کوفی منتقل کرده است. و 13 سند وجود دارد که صفّار واسطه میان استاد قمی و شاگرد انباری و در 9 سند، صفّار واسطه میان استاد قمی و شاگرد بغدادی است. در این اسناد تنها یک شاگرد نهاوندی و یک شاگرد اصفهانی و یک شاگرد رازی وجود دارد.

از موارد مذکور می‌توان نتیجه گرفت که جناب صفّار در انتقال میراث مکتوب از نسلی به نسل دیگر نقش مهمی داشته است، اما وی در انتقال میراث از شهری به شهر دیگر یا از منطقه‌ای به منطقه دیگر تأثیر چندانی نداشته و عمده فعالیت وی در این زمینه به شهر قم منحصر می‌شود.

منابع

آندرو، جی. نیومن، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، ترجمه و نقد: مؤسسه شیعه‌شناسی، ناشر: انتشارات شیعه‌شناسی، چ اول.

ابن طاووس، إقبال الأعمال، تحقّق: جواد قومی اصفهانی، چاپخانه: مکتب الإعلام الاسلامی، ناشر: مکتب الإعلام الاسلامی، چ اول، 1414 قمری.

ابن ندیم، فهرست، نشر تجدد، تهران، 19 علیه السلام 1.

اردبیلی، محمد علی، جامع الرواة، قم، ناشر: کتابخانه آیت‌الله المعظمی مرعشی نجفی، 1403 قمری.

امیر معزی، محمد علی، فصلنامه ژورنال آسیایی (JOURNAL ASIATIQUE) صفّار قمی و کتاب بصائر.

ابن قولو 4 (جعفر بن محمد بن قولو 4)، کامل المزارات، تحقّق: شیخ جواد قومی، چاپخانه: مؤسسه نشر اسلامی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، چ اول، 141 علیه السلام قمری.

بخاری، صحیح البخاری ناشر: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، 1401 قمری - 1981 میلادی.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، رجال المبرقی، انتشارات دانشگاه تهران، 1383 قمری.

بروجردی، سید علی، طرائف المقال، تحفة ق: سید مهدی رجائی، قم، چاپخانه: بهمن ناشر: مکتبه آية الله العظمی
مرعشی نجفی، چ اول، 1410 قمری.

بغدادی، اسماعیل باشا، هدیة المعارف، لبنان، بروم، ناشر: دار إحداء التراث العربی.

بحر العلوم، المفوائد الرجال، تحفة ق وتعلق: سید محمد صادق بحر العلوم، حسن بحر العلوم، تهران، چاپخانه: آفتاب،
ناشر: مکتبه المصادق، چ اول، 1363 شمسی.

تفرشی، نقد الرجال، تحفة ق: مؤسسه آل المبتدئ: إحداء التراث، قم، چاپخانه: ستاره، ناشر: مؤسسه آل المبتدئ: إحداء
التراث، چ اول، 1418 قمری.

تهرانی، آقا بزرگ، المذرعة، لبنان، بروم، ناشر: دار المأضواء، 1403 قمری - 1983 میلادی.

تستری، شیخ محمد تقی، قاموس الرجال، قم، ناشر: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول،
1419 قمری.

جواهری، محمد، المفرد من معجم رجال الحدیث، قم، چاپخانه: الملهمة، ناشر: مکتبه المحلّاتی، چ دوم، 1424 قمری.

حر عاملی، وسائل المشیئة (آل المبتدئ)، تحفة ق: مؤسسه آل المبتدئ: إحداء التراث، قم، چاپخانه: مهر، ناشر: مؤسسه آل
المبتدئ، 1414 قمری.

حر عاملی، وسائل المشیئة (الإسلامة)، (تحفة ق وتصحيح وتذیل: شیخ عبد المرحوم ربانی شرازی، لبنان، بروم،
ناشر: دار إحداء التراث العربی، 1403 قمری - 1983 میلادی).

حسینی عاملی، سید بدرالدین بن احمد، المحاشیة علی اصول الکافی، تحفة قی: علی فاضلی، چ اول، چاپخانه: دار
المحدث، ناشر: دار المحدث، 1425 قمری - 1383 شمسی.

حلی، ابن داود، رجال ابن داود، انتشارات دانشگاه تهران، 1383 قمری.

حلی، المخلصه للحلی (رجال العلامة المحلی)، قم، دار المذخائر، 1411 قمری.

خویی، اسید ابوالقاسم معجم رجال المحدث، قم، مرکز نشر آثار شریعه، 1410 قمری (1369 شمسی).

راوندی، قطب الدین، المخرائج و المجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، 1409 قمری.

رشته‌شهری، محمد، أهل البيت فی المکتب والمسنة، تحفة قی: دار المحدث، چاپخانه: دار المحدث، ناشر: دار المحدث، چ
دوم، 13 علیه السلام 5 شمسی.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، المخصال، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1403 قمری.

_____، امالی، کتاب فروشی اسلامی، تهران، 1380 قمری.

_____، ثواب الأعمال، قم، انتشارات شریف رضی، 1364 شمسی.

_____، علل المشرائع، قم، انتشارات مکتبه المداوروی.

_____، عیون اخبار رضا، تحفة قی: شیخ حسن بن اعلی، 1404 قمری.

_____، کمال الدین و تمام المنعمه، به کوشش علی اکبر غفاری، دارالمکتب الاسلامیه، تهران، 1359 قمری.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقه، 4، تحفه ق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ناشر: مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ دوم.

صفار، محمد بن المحسن، بصائر المدرجات تصحیح و تعلیق و تقدیم: حاج محمد رضا حسن کوچه باغی، تهران، چاپخانه مطبوعه المأحمدی، ناشر: منشورات الأعلمی، 1404 قمری - 1362 شمسی.

طوسی، اختصار معرفة الرجال تحفه ق: تصحیح و تعلیق: ه. داماد استرآبادی / تحفه ق: س. مهدی رجائی، قم، چاپخانه: بعثت، ناشر: مؤسسه آل المحدثات، 1404 قمری.

_____، الاستبصار، تحفه ق و تعلیق: س. د. حسن موسوی خراسانی، تهران، دار المکتب الاسلامیه، 1364 شمسی.

_____، تهذیب الأحکام تحفه ق و تعلیق: س. د. حسن موسوی خراسانی، تهران، دار المکتب الاسلامیه، 1364 شمسی.

_____، [المفهرست، نجف، المكتبة المرتضوية، 4].

_____، رجال المشيخ الطوسي، نجف، انتشارات ح. در، 4، [1381 قمری].

علی بن طاووس حسینی حلی، انتشارات مرتضوی، محاسبه المنفس.

غضائری، احمد بن حسن بن بن رجال ابن الغضائری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، 1364 قمری.

غفار، عبد الرسول، المکمل بنی و الکافی، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول، 1416 قمری.

مفید، الأمامی تحفة قی: حسن بن استاد ولی، علی اکبر غفاری، لبنان، بروم، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، چ دوم، 1414 قمری - 1993 میلادی.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دارالمکتب الاسلامیة، تهران، بی تا.

قمی، حسن - بن محمد بن حسن، آثار سخ قم، (نوشته در 3 علیه السلام 8)، ترجمه: حسن بن علی بن عبد الملک قمی (در 805)، تحفة قی سید جلال المدنی تهرانی، تهران، توس، 1361 شمسی.

کشی، محمد بن عمر، رجال المکشی، انتشارات دانشگاه مشهد، 1348 شمسی.

کلباسی، ابی المعالی محمد بن محمد ابراهیم، الرسائل الرجال، تحفة قی: محمد حسن بن درایتی، چاپخانه: سرور، ناشر: دار المحدث، چ اول، 1422 قمری - 1380 شمسی.

کلینی، الکافی، تهران، چاپ: دار المکتب الاسلامیة، 1365 قمری.

کنی، علی، توضیح المقال فی علم الرجال، تحفة قی: محمد حسن بن مولوی، چاپخانه: سرور، ناشر: دار المحدث، چ اول، 1421 قمری - 13 علیه السلام 9 شمسی.

مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، مطبعة المرتضویة، نجف، 1352.

نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت: قم، 1408 قمری.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 140 علیه السلام قمری.

نمازی شاهرودی، شخ علی، مستدرکات علم رجال المحدث، تهران، چاپخانه: شفق، ناشر: ابن المؤلف، چ اول، 1412 قمری.

x. دانشجوی دکتری ادیان و مذاهب قم، پژوهشگر پژوهشگاه قرآن-حدیث قم sadrarahimi@yahoo.com

[2]. در باره‌ی ابو جعفر محمد بن حسن بن ولید، رجوع کنید به: رجال نجاشی، ص 262؛ ابن ندیم، فهرست، نشر تجدید، تهران، 19 علیه السلام 1 میلادی، ص 2 علیه السلام 9.

[3]. اسامی اساتید صفار در کتاب بصائر المدرجات به تحقیق محسن کوچه باغی آورده شده است. برای اطلاع از اسامی آنان به مقدمه کتاب مذکور مراجعه نمایید.

[4]. برخی او را ثقه دانسته اند و برخی هم گفته اند که کلام نجاشی که گفته او ثقه است مربوط به پدرش علی بن نعمان است و در حقیقت نجاشی پدر او را ثقه دانسته است (برای اطلاع بیشتر بنگرید: رسائل الرجالیه، ج 1 ص 148؛ رجال نجاشی ص 40).

[5]. برخی هم معتقدند که او اصالتاً اهل قم نبوده بلکه بعداً به شهر قم رفته است (ر.ک: رجال ابن داود، ص 304).

[6]. مقاله امیر معزی ص 4، ترجمه آن تقریباً به این صورت خواهد بود درک درجات علوم آل محمد 6 و آنچه خداوند به ایشان اختصاص داد.

[7]. برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به کتاب بصائر المدرجات و مقاله امیر معزی و کتاب دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد نوشته اندرو جی نیومن، ترجمه موسسه شیعه شناسی، فصل پنجم.

[8]. رجوع کنید به مقاله حسن انصاری <http://ansari.kateban.com/entry.html1520>.

[9]. برای تحقیق بیشتر رجوع کنید به کتابهایی که داخل پاراتنز ذکر شده و آنها را مقابله کنید (بصائر المدرجات، ص 1 علیه السلام 8 - 1 علیه السلام 9؛ عیون اخبار المرضا علیه السلام، ج 2، ص 40)؛ بصائر المدرجات، ص 339، عیون اخبار المرضا علیه السلام، ج 2، ص 59 - 60) و بصائر المدرجات، ص 339؛ کمال المدن و تمام المنعمه، ص 335).

[10]. برای ملاحظه این نامه ها رجوع کنید به:

المکافی، ج 5، صص 125 و 181/ ج علیه السلام، صص 45، 46، 394 و 461؛ من لا یحضره الفقه، ج 1، ص 141 / ج 2، ص 153 / ج 3، صص 6 علیه السلام، علیه السلام 3، 1 علیه السلام 3، 3 علیه السلام 8، 499 و 508 / ج 4، صص 203، 209، 226، 23 علیه السلام و 269؛ تهذیب الأحکام، ج 6، ص 369 / ج علیه السلام، صص 138 و 150 / ج 8، ص 299 / ج 9، صص 129، 215 و 31 علیه السلام؛ الاستبصار، ج 4، ص 16 علیه السلام؛ وسائل الشیعة (آل بیت)، ج 2، ص 536 و 538 / ج 1 علیه السلام، ص 86 / ج 18، ص 84 / ج 19، ص 3 علیه السلام 5 و 3 علیه السلام علیه السلام.

[11]. برای نمونه بنگرید: صحیح البخاری، ناشر: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، 1401 قمری - 1981 میلادی. ج 1، ص 36.